



۱- عین الصحیحة فی الترجمة : (درس ۷ پایه دهم، #استاد رضا میثمی)

- ۱) كَانَ الْإِنْسَانُ يَسْتَفِيدُ مِنَ النَّفْطِ كَوَقُودٍ وَلِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ. انسان از نفت بعنوان سوخت و درمان بیماران پوستی استفاده می‌کرد.
- ۲) يَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَسْطَةِ الْأَنْبُوبِ وَيُفْتَحُ وَيُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِحَنْفِيَّاتٍ. نفت بوسیله لوله بالا می‌رود و لوله با شیرهایی باز و بسته می‌شود.
- ۳) كَانَتْ لِأَيْرَانَ تِجَارَةٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبِيْبِ. آیران تجربه های بسیاری در صنعت انتقال نفت بوسیله لوله ها دارد.
- ۴) نَقَلَ النَّفْطَ عَبْرَ الْأَنْبَابِ أَقْلَ خَطَرًا وَ نَقَّهَ مِنْ نَقْلِهِ بِنَاقَلَاتِ النَّفْطِ. انتقال نفت با لوله ها کم خطرتر و کم هزینه تر از انتقال با نفتکش ها هست.

کھ پاسخ: گزینه ۲

غلط های گزینه های دیگر:

- در گزینه اول اگه دقت فرمایید الأمراض جمع مَرَضٍ بمعنای بیماری ها هستند نه بیماران ، بیمار همیشه المريض که جمعش همیشه المَرْضَى.
در گزینه سوم " دارد " غلطه . چون بعد از كَانَ " لِ یا عِنْدَ " بیاد باستی " داشت " معنا بشه
و در گزینه چهارم هم ضمیر " ه " در کلمه نَقَلَهُ ترجمه نشده، بایستی معنا میشد " انتقال آن، انتقالش "

۲- عین الخطأ فی الترجمة (درس ۸ پایه دهم و درس ۲ پایه یازدهم، #استاد مریم اطهری نیا)

- ۱) تَسْتَطِيعُ الدَّلْفَيْنِ أَنْ تُنْقِذَنَا مِنَ الْعَرَقِ: دلفین ها می توانند ما را از غرق شدن نجات دهند.
- ۲) يَبْلُغُ وَزْنَ الدَّلْفَيْنِ ضِعْفِي وَزْنَ الْإِنْسَانِ تَقْرِيْبًا: وزن دلفین تقریباً به دو برابر وزن انسان می‌رسد.
- ۳) رَأَيْتُ دَلْفِيْنًا كَبِيْرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ: دلفین بزرگ را دیدم در حالی که نزدیکم درآب با خوشحالی می‌پرد.
- ۴) تُعْغِي الدَّلْفَيْنِ كَالطَّيْرِ وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ وَ تَصْفُرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ: دلفین ها مانند پرندگان آواز می‌خوانند و همچون بچه ها گریه می‌کنند و سوت می‌زنند و مثل انسان می‌خندند.

کھ پاسخ: گزینه ۳

دلفیناً کبیراً که یک ترکیب وصفی و به صورت نکره است درست ترجمه نشده

و در ادامه جمله ی يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ: جمله وصفیه است نه حالیه.

ترجمه درست عبارت: رَأَيْتُ دَلْفِيْنًا كَبِيْرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ: دلفین بزرگی را دیدم که نزدیکم درآب با خوشحالی می‌پرد.

۳- عین الاصحّ و الادقّ فی الجواب للترجمة: (درس ۷ پایه یازدهم، #استاد امیررضا بزرگ‌نیا)

{- يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهِ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ-}

- ۱) با زبان هایشان چیزی را می‌گویند که در قلب هایشان نیست و خداوند می‌داند آنچه که کتمان می‌کنند.
- ۲) آنچه با دهان هایشان می‌گویند ، در دل هایشان نیست و خداوند به آنچه پنهان می‌کنند آگاه تر است.
- ۳) با دهان هایشان چیزی را می‌گویند که در قلب هایشان نیست و خداوند نسبت به چیزی که کتمان می‌کنند آگاه تر است.
- ۴) با زبان هایشان چیزی را می‌گویند که در دل هایشان نیست و خداوند به آنچه پنهان می‌کنند داناترین است.

کھ پاسخ: گزینه ۳

افواه (جمع فم) : دهان ها

اعلم در اعلم بما ... : اسم تفضیل است و نباید به صورت فعل معنا شود.(رد گزینه ۱)

اسم تفضیل در حالت بدون «ال و اضافه»، حتماً با «مِن» همراه است که در صورت عدم ذکر در جمله من در تقدیر گرفته می‌شود.

از این جهت ترجمه به صورت صفت برتر صحیح است و صفت عالی نادرست است!(رد گزینه ۴)

ضمن اینکه ترجمه «مای موصولی» در جایگاه صحیح خود انجام نشده است. (رد گزینه ۲)

۴- عین الأصحّ و الأدقّ فی الترجمة: (درس ۴ پایه دوازدهم، #استاد حسن اسدی)

" قَالَ الْخَيْرُ لِلْمَزَارِعِ : أَنْتَ تَعْدِيْتِ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيْعَةِ تَعْدِيًّا ."

- ۱) کارشناس به کشاورز گفت : تو حتماً بر نظام طبیعت تجاوز کردی!
- ۲) کارشناس به کشاورز گفت : قطعاً تو بر نظام طبیعت تجاوز کردی!
- ۳) کارشناس به کشاورز گفت : تو بدون تردید بر نظام طبیعت تجاوز کرده ای!
- ۴) کارشناس به کشاورز گفت : تو بر نظام طبیعت بدون شک تجاوز کرده ای!

کج. پاسخ: گزینه ۴

مفعول مطلق تأکیدی برای تأکید بر انجام فعل و رفع شک و تردید در انجام آن می آید پس دقیق تر و صحیح تر آن است که در ترجمه نیز قید تأکیدی بر سر فعل قرار بگیرد.
نکته ی دیگر این که ترجمه ی ماضی ساده به صورت نقلی امری شایع و صحیح است.

۵- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: (درس ۵ پایه دوازدهم، #استاد کاظم موسوی)

« لا تَسْتَمْسِكُوا بِالْمَاضِي وَ لا تَحْلَمُوا بِالمُسْتَقْبَلِ وَلَكِنْ اِسْتَفِيدُوا مِنَ الفُرْصِ الَّتِي بَيْنَ اَيْدِيكُمْ وَ خُذُوا الدَّرْسَ مِنَ السَّاعَةِ الَّتِي فِيهَا اَخَذُوا.»
(۱) به گذشته نیاویزید و در مورد آینده رؤیا پردازی نکنید بلکه از فرصت هایی که در دسترس تان است بهره ببرید و حتما از زمانی که در آن زندگی می کنید درس بگیرید .
(۲) به گذشته چنگ نزنید و آرزوی آینده را نبینید و از فرصت های پیش روی تان استفاده کنید و از وقتی که در آن زندگی می کنید جدا درس بگیرید .
(۳) به گذشته متمسک نشوید و در مورد آینده هم رؤیا پردازی نکنید بلکه از فرصت های در دسترس خود استفاده نموده و از اوقاتی که در آن زندگی می گذرانید واقعا درس بگیرید .
(۴) به گذشته وابسته نباشید و نسبت به آینده هم رؤیایی نباشید ولی از فرصت ها بهره ببرید و از زمانه ای که در آن زندگی می کنید خوب درس بگیرید.

کج. پاسخ: گزینه ۱

رد سایر گزینه ها

(۲) لا تَحْلَمُوا: از «حلم» به معنی رؤیا گرفته شده و «آرزو دیدن» ترجمه مناسبی برای آن نیست.
(۳) چون جمله «مفعول مطلق تأکیدی» دارد واژه «واقعا» ترجمه اشتباه است.
در هر دو گزینه ۲ و ۳ «الفرض» به صورت معرفه ترجمه شده که اشتباه است.
از جمله مواردی که معرفه به صورت نکره ترجمه می شود زمانی است که بعد از اسم معرفه (عموماً ال دار) موصول (الَّذِي-الَّتِي و ...) بیاید
(۴) وابسته نباشید» ترجمه «لا تَسْتَمْسِكُوا» نیست. مفعول مطلق نیز در این گزینه ترجمه نشده است.

۶- عَيْنَ الخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ: (درس ۷ پایه دهم، #استاد محمد زاهدی)

(۱) كان صَدِيقَنَا قَدْ دَلَّنَا عَلَى خِوَصِ الأعْشَابِ الطَّيْبَةِ.
دوستان ما را به خواص دارویی گیاهان راهنمایی کرده بود.
(۲) كانت تُغْرَسُ أشْجارُ العنْبِ وَ الرِّمَانِ فِي حَديقَةِ الفَلاحِ المَجْدِّ.
درختان انگور و انار در باغ کشاورز کوشا کاشته می شدند.
(۳) هل يُمْكِنُ لَنَا أَنْ نَسْتَفِيدَ يَوْمًا مِنَ البِكتَريا المُضَيِّئَةِ لِإنارةِ المَدِينَةِ.
آیا برای ما ممکن است که روزی از باکتری نورانی برای روشنایی شهر استفاده کنیم.
(۴) تُسْتَخْدَمُ آلاَتٌ لِتَقْليلِ الصُّغْطِ حَتَّى تَبْقِيَ الأنايِبُ سَالِمَةً.
ابزارهای برای کاهش فشار به کار گرفته شده تا لوله ها سالم بمانند.

کج. پاسخ: گزینه ۴

تُسْتَخْدَمُ : فعل مضارع مجهول است: به کار گرفته می شود
آلاتٌ : نکره است و در زبان فارسی از «ی» نکره استفاده می شود: ابزارهایی
بررسی دیگر گزینه ها:

(۱) كان قَدْ دَلَّنَا : فعل ماضی با كان همراه شده است و معادل ماضی بعید است.
خِوَصِ الأعْشَابِ الطَّيْبَةِ: با توجه به این که الطَّيْبَةِ صفت است برای خواص و الاعشاب مضاف الیه
ترجمه عبارت به خواص دارویی گیاهان خالی از اشکال است.
(۲) كانت تُغْرَسُ: فعل مضارع با كان همراه شده است و معادل ماضی استمراری است.
با توجه به مجهول بودن فعل، ترجمه به شکل (کاشته می شدند) خالی از اشکال است.
(۳) يُمْكِنُ (ممکن است) أَنْ نَسْتَفِيدَ : فعل مضارع همراه «أَنْ»، معادل مضارع التزامی به معنای (استفاده کنیم).
لِإنارةِ المَدِينَةِ: روشنایی در زبان فارسی حاصل مصدر است ترجمه مصدر عربی به شکل حاصل مصدر رایج و خالی از اشکال است .

۷- عَيْنَ الصَّحِيحِ: (درس ۸ پایه دهم، #استادحسین شجاع‌الدینی)

- ۱) ليس عجيباً، لَأَنَّ الدَّلْفَيْنِ صَدِيقَ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ؛ : عجیب نیست، زیرا دلفین ها دوست انسان در دریاها هستند.
 ۲) له ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، و سمعه يفوق سمع الإنسان عشر مرات؛ : اوحافظه ای قوی دارد، و شنوایی اش ده برابر شنوایی انسان است.
 ۳) تستطيع الدلافين أن ترشدنا إلى مكان سقوط طائرة؛ : دلفین ها می توانند ما را به جای سقوط پرندهگان راهنمایی کنند.
 ۴) و تساعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى إِكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ. : ... و به انسان در یافتن مکان های تجمع ماهی ها کمک کنند.

کھ پاسخ: گزینه ۴

- گزینه ۱) دلفین ها - هستند × / دلفین - است ✓
 گزینه ۲) پرندهگان × / طائره : هواپیمایی ✓
 گزینه ۳) ... است × / يفوق برتری دارد (بیشتر است) ✓

۸- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي التَّرْجُمَةِ: (درس ۷ پایه یازدهم، #استادحسین دهقان)

- ۱) لا مشكلة قادرة على هزيمة الشخص الذي يتوكل على الله و يعتمد على نفسه و قدراته: هیچ مشکلی نیست که بتواند فردی را شکست دهد که بر خدا توکل می کند. و به خود و توانایی های خود تکیه می کند .
 ۲) كثير من الناجحين آثاروا إعجاب الآخرين؛ مع أنهم كانوا معوقين أو فقراء: بسیاری از افراد موفق تحسین دیگران را برانگیختند ؛ با این که معلول یا نیازمند بودند.
 ۳) أو كانوا يواجهون مشاكل كثيرة في حياتهم و من هؤلاء: الأستاد مهدي آذربیدی: یا با مشکلات بسیاری در زندگی خود روبه رو می شدند. از این ها : استاد مهدی آذر یزدی است.
 ۴) و هو أشهر كاتب لقصص الأطفال ، في السنة العشرين من عمره كان عاملاً بسيطاً : و او معروف ترین نویسنده داستان های کودکان است. در بیست سالگی از عمر خود، یک کارگر ساده بود.

کھ پاسخ: گزینه ۱

- لا مشكلة قادرة على هزيمة الشخص الذي يتوكل على الله و يعتمد على نفسه و قدراته: هیچ مشکلی قادر به شکست فردی نیست که بر خدا توکل می کند و به خود و توانایی های خود تکیه می کند.
 یا هیچ مشکلی نمی تواند فردی را شکست دهد که بر خدا توکل می کند. و به خود و توانایی های خود تکیه می کند .
 البته ممکن است ترجمه ی دوم با مخالفت هایی روبه رو شود! ولی اگر خبر به صورت اسم فاعل بیاید ؛ می تواند مضارع اخباری هم معنی شود.

۹- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَةِ : (درس ۴ پایه دوازدهم، #استادعلیرضا بزرگ‌نیا)

- ۱) ظلم الإنسان الطبيعية في نشاطه ظلماً واسعاً: انسان در فعالیت هایش بگونه ای گسترده بر طبیعت ظلم کرده است!
 ۲) يجب على كل المواطنين أن يطلعوا على أفعال الانسان المُخْرِبةِ اِطْلَاعاً لِبَيْتِهِ : همه ی شهروندان باید بر کارهای مخرب انسان در محیط ، بی شک آگاهی یابند!
 ۳) بدأ المزارع يفكر في سبب ذلك الامر تفكيراً عميقاً: کشاورز شروع به اندیشیدن بسیار عمیق درباره علت آن کار نمود!
 ۴) إنك تعديت على نظام الطبيعة تعدّي الظالمين : تو بر نظام طبیعت تعدی الظالمین : تو بر نظام ظالمان تجاوز کرده ای!

کھ پاسخ: گزینه ۳

توضیح : مفعول مطلق همراه با مصدری که صفت داره در این گزینه باید : " بگونه ای ، بشکلی عمیق " ترجمه گردد...

۱۰- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيبِ: (درس ۴ پایه دوازدهم #استاد کاظم موسوی)

« تعداد موش های مزرعه خیلی زیاد شد پس از آنکه کشاورز اقدام به کشتن جغدها کرد.»

۱. تزيد فئران الحقل تزييداً كثيراً بعد ما قام المزارع بقتل البومات .
 ۲. زاد عدد فئران زيادة كثيرة بعد ما قام المزارع بقتل البومات في المزرعة .
 ۳. ازداد عدد فئران الحقل ازدياداً كبيراً بعد ما قام المزارع بقتل البومات .
 ۴. ازداد تعداد فئران الحقل ازدياداً أكثر فأكثر بعد ما قام المزارع لقتل البومات.

کھ پاسخ: گزینه ۳

ازداد: زیاد شد (رد گزینه ۲ و ۱) // ازداد ازدياداً كبيراً: خیلی زیاد شد (م. مطلق نوعی + صفت) // قام ب: اقدام کرد

۱۱- «می‌دانستم که تو در امتحانات پایان سال، قطعاً موفق خواهی شد.» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيْبِ: (درس ۴ پایه دوازدهم، #استادمیثم کرمی)

(۱) كُنْتُ أَعْلَمُ أَنَّكَ لَنْ تَنْجَحَ نَجَاحًا إِلَّا فِي امْتِحَانَاتِ نَهَايَةِ السَّنَةِ!

(۲) كُنْتُ أَعْلَمُ أَنَّكَ سَوْفَ تَنْجَحُ فِي امْتِحَانَاتِ نَهَايَةِ السَّنَةِ نَجَاحًا!

(۳) كُنْتُ أَعْلَمُ إِنَّكَ سَتَنْجَحِينَ فِي امْتِحَانَاتِ نَهَايَةِ السَّنَةِ!

(۴) كُنْتُ أَعْلَمُ أَنَّكَ سَتَنْجَحِينَ فِي امْتِحَانَاتِ نَهَايَةِ السَّنَةِ نَجَاحًا!

کھ پاسخ: گزینه ۴

تحلیل سایر گزینه ها:

می دانیم که "لن" به همراه فعل مضارع، معادل "مستقبل منفی" است. بنابراین این قاعده در ساختار "نفي + إلا" به آینده مثبت تبدیل خواهد شد؛ چرا که طبق قاعده ریاضی، منفی در منفی، مثبت می‌شود!

با توجه به صورت سوال، تاکید بر روی فعل است؛ پس در گزینه #یک علاوه تاکید، حصر هم وجود دارد که این متناسب با سوال نیست. رد گزینه #یک عدم تطابق "كنت" با فعل "أعلم" باعث نادرست شدن این عبارت می‌گردد؛ چرا که با دقت در سوال مشخص می‌شود که به فعل متکلم وحده نیاز داریم نه غایب! رد گزینه #دو

از موارد کاربرد "أن" زمانی است که به حرف ربط "که" نیاز داریم. حال آنکه در این گزینه برای برگردان این واژه از "إن" استفاده شده است که تعییری خطاست. رد گزینه #سه

نکاتی از سوال برداشت می‌شود:

کان و مشتقات آن + فعل مضارع، غالباً معادل "ماضی استمراری" است.

"أن" یکی از حروف مشبّهة بالفعل که رابط بین دو جمله است برخلاف "إن" که موکّد جمله است.

آنگاه که سخن از تاکید روی #فعل باشد، از "مفعول مطلق تاکیدی" کمک می‌گیریم.

اسلوب حصر را می‌توان با "فقط" ترجمه کرد.

"س/ سوف" معادلی آینده و "لن" بیانگر مستقبل منفی است.

در سوالات تعریب، باید به هماهنگی ضمائر با فعل و فاعل توجه کرد.

۱۲- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَقْرَبِ فِي مَفْهُومِ الْعِبْرَةِ : (درس ۴ پایه دوازدهم، مفهوم #استادحسن اسدی)

« الطَّيُورُ قَدْ تَبْتَعِدُ عَنْ أَعْشَاشِهَا كَثِيرًا لِتَحْصَلَ عَلَى طَعَامٍ لِفِرَاحِهَا.»

(۱) كَثِيرٌ مِنَ الطَّيُورِ تَبْتَعِدُ عَنْ أَعْشَاشِهَا لِتَحْصَلَ عَلَى مَا تَتَغَدَّى بِهِ الْفِرَاحُ!

(۲) تَبْتَعِدُ الطَّيُورُ بَعْضَ الْأَوْقَاتِ مِنْ أَعْشَاشِهَا لِتَحْصَلَ عَلَى طَعَامٍ فِرَاحِهَا!

(۳) تَبْتَعِدُ الطَّيُورُ أَحْيَانًا مِنْ أَعْشَاشِهَا مَسَافَةً بَعِيدَةً لِتَحْصَلَ عَلَى مَا تَأْكُلُهُ الْفِرَاحُ!

(۴) بَعْضُ الطَّيُورِ تَبْتَعِدُ كَثِيرًا مِنْ أَعْشَاشِهَا لِتَحْصَلَ عَلَى طَعَامٍ لِفِرَاحِهَا!

کھ پاسخ: گزینه ۳

به ترجمه‌ی عبارت دقت کنیم:

« پرندهگان گاهی از لانه‌هایشان بسیار دور می‌شوند تا برای جوجه‌هایشان غذائی بدست آورند.»

در گزینه ۱) كثير من الطيور تبتعد عن أعشاشها كثيرا لتحصل على طعام لفرحها.

در گزینه‌ی ۲) ابتعادا برای تاکید آمده و نوع دور شدن در اینجا نیامده است.

در گزینه‌ی ۳) معنای قد بر فعل مضارع با أحيانا و مفهوم كثيرا برای دور شدن زیاد هم با مسافه بعيدة پوشش داده شده است.

در گزینه‌ی ۴) بعض الطيور تبتعد كثيرا من أعشاشها لتحصل على طعام لفرحها.

۱۳- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي شَرْحِ الْمَفْرَدَاتِ : (درس ۵ پایه دوازدهم، #استادحسن اسدی)

(۱) أَعْنِي : سَاعِدُنِي وَ انصُرْنِي وَ قَدَّمْنِي مَسَاعِدَةً!

(۲) الْإِنشْرَاحُ : شَعُورِ الْإِنْسَانِ بِالسَّرُورِ وَ الْبَهْجَةِ وَ الْفَرَحِ!

(۳) الْبَسْمَةُ : هُوَ أَنْ نَضْحَكَ خَفِيفًا دُونَ أَنْ نُخْرِجَ صَوْتًا!

(۴) الْعَاصِمَةُ : مَرْكَزُ الْبِلَادِ وَ مَدِينَةُ يُدَارُ حَكْمُ الْبِلَادِ مِنْهَا!

کھ پاسخ: گزینه ۲

الإنشراح : مصدر باب انفعال است و قطعات توضیحات و مترادفات آن نیز باید مصدر باشند.

السرور (شادی - خوشحالی) - البهجة (شادی - خوشحالی) مشکلی ندارند.

ولی الفرح (شاد - خوشحال) مصدر نیست بلکه مأخوذ (مشتق) یا گرفته شده از مصدر می باشد که مصدر آن " الفرح : شادی - خوشحالی " می باشد.

الإنشراح : شعور الإنسان بالسرور و البهجة و الفرح

۱۴- عَيْنَ الْخَطِئِ فِي الْمَفْرَدِ أَوْ الْجَمْعِ. (درس ۵ پایه دوازدهم، #منصوره خوشخو)

(۱) رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادِيَةِ. (الفتية: الفتاة)

(۲) كَانَ الْمَزَارِعُ يَرْبِي الطِّيُورَ وَ الْبُومَاتِ فِي مَزْرَعَتِهِ. (الطيور: الطائر)

(۳) قَيْتَبِجَ الْحَيَوَانَ الْمَفْتَرَسِ هَذِهِ الْفَرِيَسَةَ، (الحيوان: الحيوانات)

(۴) الْمُتَفَائِلُ فَيَرَى الْفُرْصَةَ فِي كُلِّ صُعُوبَةٍ. (الفرصة: فُرْص)

کھ پاسخ: گزینه ۱

(الفتية: جمع الفتى)

۱۵- عَيْنَ مَا فِيهِ الْأَخْطَاءُ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ أَكْثَرُ: (درس ۷ پایه یازدهم، #منصوره خوشخو)

(۱) كَثِيرٌ مِنَ النَّاجِحِينَ أَثَارُوا أَعْجَابَ الْآخَرِينَ مَعَ أَنَّهُمْ كَانُوا مَعُوقِينَ .

(۲) الْأَسْتَاذُ مَهْدِيٌّ أَدَّرَ يَزْدِي مِنْ أَشْهُرٍ كَاتِبِينَ لِقِصَصِ الْأَطْفَالِ فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عَمْرِهِ .

(۳) اسْتَطَاعَتْ «هَيْلِين» أَنْ تُسَافِرَ إِلَى الْبُلْدَانِ الْمُخْتَلَفَةِ وَ أَلْقَتْ عِدَّةَ مُحَاضِرَاتٍ .

(۴) - { وَ لَا تُيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ } -

کھ پاسخ: گزینه ۲

سوال از ما خواسته گزینه ای که خطاهایش بیشتر است را مشخص کنیم .

(۱) سه مورد

① حرکت نون جمع مذکر : النَّاجِحِينَ

② وزن مصدر إفعال: إعجاب

③ حرکت عین الفعل در اسم مفعول : معوقين (معلولان، علیل شدگان، صفت مفعولی است)

(۲) پنج مورد

① حرکت «میم» مفتوح است (بر اساس وزن اسم مفعول و تلفظ عربی) : مَهْدِيٌّ

② «أشهر» به معنای ماه ها مناسب این جمله نیست .

«أشهر» به معنای مشهورترین بر وزن أَفْعَلُ می آید .

③ وزن اسم فاعل: کاتبون

④ السَّنَةُ به معنای چرت :x: و درست آن می شود: السَّنَةُ به معنای سال

⑤ نون عقود (نون جمع سالم) مفتوح است: العِشْرِينَ

(۳) سه مورد

① حرکت «تاء» در ماضی باب استفعال مفتوح است:(بر وزن "استفعلت") : اسْتَطَاعَتْ

② حرکت عین الفعل در فعل مضارع معلوم باب مفاعلة (بر وزن تُفاعل) مکسور است: أَنْ تُسَافِرَ

③ حرکت عین الفعل در مصدر «مفاعلة»، مفتوح است: مُحَاضِرَةٌ و جمعش: مُحَاضِرَاتٍ می شود .

(۴) چهار مورد

تفاوت حرکت در عربی با تلفظ فارسی: ① رُوح ② رَوْح ③ الْقَوْمُ

وزن اسم فاعل: ④ الْكَافِرُونَ

۱۶- بَعْضُ الطُّيُورِ قَدْ (تَلَجَّأً) إِلَى حَيْلٍ لَطَرْدٍ مُفْتَرَسَهَا عَنْ عَشَّهَا ، حِينَ (يُرَى) حَيوان مُفْتَرَسٌ (يَتَظَاهَرُ) أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورَةٌ ، (فَتَخَدَعُ ، فَرِيْب دَادِن) الْحَيوانِ الْمُفْتَرَسِ هَذِهِ الْفَرِيْسَةَ. عَيْنَ الْخَطَأِ ؟ (درس ۴ پایه دوازدهم، #استادفهمی سلیم زاده)

- (۱) تَلَجَّأَ : فعل - مضارع - للغائبة - مجرد ثلاثي - مبني للمعلوم - لازم - معرب - حروفه الاصلية (ل - ج - أ) / فعل و فاعله ضمير هي مستتر
- (۲) يرى : فعل - مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي و مصدره (رُؤْيَةٌ) - مبني للمجهول - متعدي - معرب / فعل و فاعله محذوف
- (۳) يتظاهر : فعل - مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي بزيادة حرفين - مصدره تَظَاهَرُ - مبني للمعلوم - لازم - معرب / فعل و جملة فعلية مع فاعله الضمير المستتر

(۴) تخدع : فعل - مضارع - للغائبة - مجرد ثلاثي - مبني للمعلوم - متعدي - معرب / فعل و جملة فعلية مع فاعله اسم الظاهر الحيوان

کھ پاسخ: گزینه ۴

در گزینه ی چهار ، فاعل فعل تخدع ، هذه هست

نکات مهم برای تشخیص فاعل ،

فعل باید با فعل خودش همیشه از لحاظ جنس مطابقت کند ،

اگر فاعل اسم ظاهر باشد ، مطابقت فقط از لحاظ جنس لازم هستم

اگر فاعل ضمیر بارز باشد ، این مطابقت باید علاوه بر مطابقت جنس ، مطابقت از لحاظ تعداد هم صورت بگیرد

و نکته ی مهم دیگر هم این است، همیشه فکر نکنیم اسم بعد از فعل ، فاعل است ، امکان دارد فعل و فاعل بدون فاصله یا با فاصله بیاید و ما بین

این دو تا ، اجزای دیگر جمله هم بیاید مثل مفعول ، جار و مجرور و.....

تخدع الحيوان المفترس هذه الفريسة

این شکار، حیوان شکارچی را فریب میدهد

فاعل تخدع هذه الفريسة است نه الحيوان . و این را از لحاظ مطابقت فاعل و فعل از لحاظ جنس مبینیم.

۱۷- " فَالْبُومَاتُ كَانَتْ تَتَغَدَّى عَلَى فِرْثَانِ الْحَقْلِ " . عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلتَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ : (درس ۴ پایه دوازدهم، #استادعلیرضا بزرگ نیا) تَتَغَدَّى:

(۱) فعل مضارع، للمخاطب، ماضیه (تَغَدَّى) و مصدره (تَغْذِيَةٌ)

(۲) مضارع، للغائبة، حروفه الاصلية ثلاثة و مصدره : (تَغَدَّى)، معلوم

(۳) مضارع، حروفه الاصلية (غ ذ ي) و حروفه الزائدة (ت ت) و مصدره على وزن تَفَعَّل

(۴) فعل مضارع، للغائبة، فيه ثلاثة حروف اصلية و حرفان زائدان، مصدره على وزن (تفعيل)

کھ پاسخ: گزینه ۲

در تست های تحلیل صرفی فعل ، نکته اصلی و اساسی به ویژگی های خاص فعل بر می گردد..

بویژه فعل های مزید :

۹۹ درصد فعل های تحلیل صرفی از نظر صیغه للغائبة هستند چون متن و جمله بشکل گفتگوی دونفره که یکدیگر را خطاب کنند نیست .

بنابراین در گزینه ۱) للمخاطب اشتباه است.. همچنین وزن فعل مورد نظر تغذیه نیست، چون از باب تَفَعَّل می باشد...

گزینه ۳) حروف زائد فعل حرف (ت و تکرار عین الفعل) است که به اشتباه حرف مضارعه رو جزء حروف زائد گرفته شده است.

گزینه ۴) مصدر فعل مورد نظر را تفعیل گرفته که اشتباه است... همانند گزینه ۱ که باعث رد گزینه شد..

۱۸- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطْأٌ: (درس ۴ پایه دوازدهم، #استادحسین چشمی)

« من المَهْدَدَاتِ الَّتِي نَوَاجِهُهَا هِيَ تَلَوُّثُ الْأَرْضِ وَ الْإِكْتِرَافُ فِي إِسْتِخْدَامِ الْمُبِيدَاتِ الزَّرَاعِيَّةِ وَ الْإِكْتِلَافُ فِي الرُّوَابِطِ الْمُنْتَدِخِلَةِ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ . فَنَحْتَاجُ إِلَى الْمُرَاقَبَاتِ الْكَثِيرَةِ فِي هَذِهِ الْمَجَالَاتِ . »

جميع هذه الأسماء...

(۱) من الأسماء المجرورة

(۲) من الأسماء المؤنثة

(۳) من الأسماء الفاعلة

(۴) من الأسماء المعرفة و المعربة

کھ پاسخ: گزینه ۳

اگر دقت کنید کلمه « المراقبات » مصدر می باشد نه اسم فاعل ولی سایر گزینه ها اسم فاعل هستند و توضیحات درست است!

۱۹- عین الفعل مجهولا بالنظر الى المعنى. (#استادسیدمجتبی سیدی)

- ۱) اُكْرِمَ أُمِّي لِأَنَّهَا بَذَلَتْ أَوْقَاتَهَا وَشَبَابَهَا لِرَاحَةِ أَوْلَادِهَا !
- ۲) اللهُ أَرْسَلَ فِي الْقُرُونِ الْأُولَى أَنْبِيَاءَ كَثِيرِينَ لِيُبَيِّنَ طَرِيقَ الْحَقِّ!
- ۳) نَزِيدُ أَنْ تُخْبِرَ وَالِدَكَ بِأَنَّ أَشْجَارَ الْمَزْرَعَةِ قَدْ انْقَطَعَتْ فِي اللَّيْلَةِ الْمَاضِيَةِ!
- ۴) هَلْ يُمْكِنُ لَنَا أَنْ نُرْسَلَ أَوْلَادَنَا إِلَى الْمَدْرَسَةِ الَّتِي يَذْهَبُ أَوْلَادُ الْمَسْؤُولِينَ!

کھ پاسخ: گزینه ۲

جهت پاسخ به سوال گزینه ها را بررسی می کنم:

- ۱) اكرم فعل مضارع باب افعال است و فاعل آن انا مستتر / مفعول: أمي / بذلت: فاعل هي مستتر / مفعول: اوقات
- ۲) ارسل فعل معلوم از باب افعال است و فاعل هو مستتر / انبياء: مفعول
- يبين می تونه دو وجه داشته باشد: معلوم (فاعل هو مستتر مرجع الله و طريق مفعول) / مجهول (طريق نائب فاعل)
- ۳) نزيد: فعل مضارع و فاعل نحن مستتر / تخبر: فعل مضارع مخاطب و فاعل آن انت مستتر / مفعول: والد و انقطع لازم و معلوم است .
- ۴) يمكن و نرسل و يذهب هر سه معلومند.

◆ نکته: در گزینه ۳) شاید دانش آموزی اینطور معنی کند:

میخواهیم که پدرت باخبر شود....

❗ مشکلی که ایجاد میشه، اینه که تخبر مونث اومده

در حالی که والدک مذکر است

پس والد نمی تونه نائب فاعل باشه

پس فرض مجهول بودن تخبر رد میشه

◆ لازم به ذکر است:

در تست گاهی گزینه ها در کنار هم که قرار می گیرند پاسخ اشکار میشه در این غیر از «یبین» فعلی نیست که بتونه دو وجهی باشه لذا چون سایر فعل ها قطعا معلومند؛ تنها این فعل می ماند که قابلیت مجهول بودن دارد پس به عنوان گزینه درست انتخاب می شود.

۲۰- عین نائب الفاعل ليس مضافا: (درس ۷ پایه دهم، #استادمحمدپهروزی)

- ۱) تُصَدَّرُ ثُرُوتُ بِلَادِنَا النَّفْطِيَّةِ إِلَى الْبِلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ!
- ۲) شُجِّعَ فَرِيقُنَا الْفَائِزُ فِي مَبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ بِحَرَارَةِ!
- ۳) تُكْتَسَبُ فِي مَدْرَسَةِ الْحَيَاةِ تَجَارِبٌ ثَمِينَةٌ مَفِيدَةٌ!
- ۴) تُسْتَعْمَلُ أَمْثَالُ الْعُلَمَاءِ الْقِيَمَةُ لِبَيَانِ مَا فِي الضَّمِيرِ!

کھ پاسخ: گزینه ۳

سوال از ما نائب فاعل را خواسته که مضاف نباشد که در گزینه ۳ "تجارب" نایب فاعل و موصوف است .

بررسی سایر گزینه ها :

در گزینه اول : " ثروات " نایب فاعل و مضاف و موصوف است.

در گزینه دوم : " فریق " نایب فاعل و مضاف و موصوف است.

در گزینه چهارم : " أمثال " نایب فاعل و مضاف و موصوف است.

۲۱- عین الخطأ . (درس ۸ پایه دهم، مفهوم حرف جر#منصوره خوشخو)

- ۱) الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ. (الكاف للتشبيه)
- ۲) لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ. (اللام للتعليل)
- ۳) عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. (على بمعنى يجب)
- ۴) لَقَدْ نَصَرَكَ اللَّهُ بِدِرِّ. (الباء بمعنى في)

کھ پاسخ: گزینه ۲

گزینه ۱) علم در خردسالی مانند نقش در سنگ است. (کاف تشبیه: مانند)
 گزینه ۲) آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست. (لام اختصاص است و بهر حال علت را نمی رساند).
 گزینه ۳) تو باید خدا را یاد کنی زیرا او نور دل است. (علی در معنای یجب به معنای باید، واجب است)
 گزینه ۴) و قطعا خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد. (باء به معنای «در» = «فی»)
 نکته کاف: کاف همیشه برای تشبیه نیست بلکه ممکن است معنای اسمی (مثل) داشته باشد .
 ... { لیس الذکر کالأنثی... } - (العمران/۳۶،۳)

۲۲- عین ما جاء فيه نون الوقایة: (درس ۸ پایه دهم، #استادزینب کسمایی)

- ۱) صدیقَتی من فضلك بیني حل هذه المُشكلة لنا!
- ۲) أرادت أمي الحنون أن تجلسني عندها في الحفلة!
- ۳) أيها العامل! عليك أن تبني بيتاً لا تخربه الزلزلة!
- ۴) يازينب! لاتشحني بطارية جوالك طول الليل!

کھ پاسخ: گزینه ۲

نون بعد از فعل آن تجلس ، نون وقایه است ولی نون دربقیه گزینه ها از حروف اصلی افعال است. (ب ي ن - ب ن ي - ش ح ن)

۲۳- عین "کان" لم یخرج من معناه الأصلي: (درس ۷ پایه دهم، #استادمیثم کرمی)

۱. کان لي کتابٌ اشتريته من سوق الكتب!
۲. کان الجو في الأسبوع القادم بارداً جداً!
۳. أستاذنا كان ذا خلقٍ حسنٍ في الجامعة!
۴. كان علي يلعب كرة القدم بمهارة بالغة!

کھ پاسخ: گزینه ۳

معنی اصلی "کان"، "بود" می باشد.

بنابراین سایر معانی کان از جمله "است و..." خروج این فعل از معنای اصلی را نشان می دهد.

با این توضیح به سراغ تحلیل گزینه ها می رویم:

ترکیب "کان+ل+ضمیر" معادل "دارا بودن، داشتن" است و نیز الگوی "کان+فعل ماضی" ساختار ماضی بعید و یا ساده در زبان فارسی را می رساند. رد گزینه #یک

قرینه و علامت "القادم" نشان دهنده زمان آینده است. پس فعل "کان" در این جمله بصورت ماضی (بود) ترجمه

نمی شود. رد گزینه #دو

در این جمله "کان" به معنای "بود" به کار رفته است؛ زیرا "خوی نیک" از ویژگی دائمی استاد نبوده بلکه فقط در دانشگاه متخلق به این صفت بوده است.

قاعده "کان+مضارع #غالباً معادلی برای ماضی استمراری در ادبیات فارسی است. لذا این فعل از معنای اصلی خارج شده است. رد گزینه #چهار

۲۴- عین الصّحیح عن الأفعال الناقصة: (درس ۸ پایه یازدهم، #استادخالدشکوری)

- ۱) صیر الأرض به/ بعد اغبرار خضره: «الأرض» اسم الأفعال الناقصة و «خضره» خبرها
- ۲) نظف الطلاب مدرستهم فصارت المدرسة نظيفة: ضمير «ت» اسم الأفعال الناقصة و «المدرسة» خبرها و نظيفة» صفة
- ۳) الشباب بعد اللعب صاروا نشيطين! ضمير «واو» اسم الأفعال الناقصة و «نشيطين» خبرها
- ۴) أصبحت هيلين كيلر أعجوبة عصرها. «أصبحت» ماضٍ -للغائبة -متعدّد -مبنى/ من الأفعال الناقصة، وخبره «أعجوبة»

کھ پاسخ: گزینه ۳

بررسی گزینه ها:

در گزینه ۱) " صیر " چون به باب تفعیل رفته است دیگر از افعال ناقصه نیست و به اسم و خبر نیاز ندارد .

در گزینه ۲) «ت» نشانه مؤنث است اما به خاطر رسیدن به اسم دارای ال به کسره تبدیل شده است بنابراین "ت" اسم افعال ناقصه نیست . بلکه

"المدرسة" اسم آن و "نظيفة" خبر آن است .

گزینه ۴) افعال ناقصه، فعل اسنادی است و رابط مبتدا و خبر هستند و فاعل و مفعول ندارد در نتیجه لازم و متعدی هم ندارند.

۲۵- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَمَّا أُشِيرَ إِلَيْهَا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ: (درس ۴ پایه دوازدهم، مطلق #استادحسین مصباح)

۱) ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرَسُ (غَرَسًا) عَادَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ. مفعول مطلق للنوع

۲) كَانَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (جِهَادًا) لَا يَأْسُ فِيهِ! مفعول مطلق للتأكيد

۳) لَا تَتَمَرَّدُ عَلَى أَوْامِرِ هَذَا الْحَاكِمِ الْجَائِرِ (تَمَرَّدًا) خَائِفِينَ مِنْ غَضَبِهِ! مفعول مطلق للنوع

۴) نَزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ (تَنْزِيلًا) لِهَدَايَةِ الْإِنْسَانِ! مفعول مطلق للتأكيد

که پاسخ: گزینه ۴

یادآوری:

◆ مفعول مطلق : مصدری است منصوب از جنس فعل خود. (فعل مزید: مصدر مزید / فعل مجرد: مصدر مجرد)

✓ مفعول مطلق، خود نقش است، و نقش دیگری نمی پذیرد .

① مفعول مطلق تأکیدی : مصدری است منصوب از جنس فعل خود، و دیگر هیچ. یعنی صفت و مضاف إليه ندارد.

② مفعول مطلق نوعی یا بیانی : مصدری است منصوب از جنس فعل خود، به همراه صفت یا مضاف إليه.

پاسخنامه :

دلیل : تنزیلاً: مصدری منصوب از جنس فعل خود است ، و دیگر هیچ. یعنی بعد از آن، صفت یا مضاف إليه نیامده است. پس مفعول مطلق تأکیدی است .

سایر گزینه ها:

گزینه ی ۱) (غَرَسًا) : مصدر ثلاثی مجرد است، أما يَغْرَسُ: فعل متعدی است و نیاز به مفعول دارد تا معنایش کامل شود. پس نمی توانیم نام آن را، مفعول مطلق بگذاریم؛ «غرساً»: مفعول است.

گزینه ی ۲) جهاداً: نقش خبر کان را پذیرفته است، پس مفعول مطلق تأکیدی نیست .

گزینه ی ۳) تَمَرَّدًا : مفعول مطلق تأکیدی است، و خائِفِينَ : حال است، و نمی تواند، صفت باشد، چون تطبیق صفت و موصوفی صورت نگرفته است، و نمی تواند، مضاف إليه باشد، چون مضاف، تنوین نمی پذیرد. بنابراین مفعول مطلق نوعی نیست.

۲۶- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ: (درس ۴ پایه دوازدهم، #استادسیدمجتبی سیدی)

۱) يَا مَزَارِعَ إِنِّكَ تَعْدِيَتٌ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ تَعْدِيًا قَدْ فَهَمَهُ الْجِيرَانُ!

۲) إِنَّ تَهْجَمَ الْبُومَاتُ عَلَى فِرَاحِ الطُّيُورِ هُجُومًا تَأْكُلُهَا لِاشْكُ فِيهِ!

۳) مَنْ قَتَلَ بُومَاتِ الْمَزْرَعَةِ قَتَلَ فِشَاهِدَ نَتِيجَةَ عَمَلِهِ فِي إِزْدِيَادِ الْفَتْرَانِ!

۴) نَفْعٌ عَمَلِ خَبِيرِ الزَّرَاعَةِ لِلْمَزَارِعِينَ نَفْعٌ يَنْتَفِعُ بِهِ جَمِيعُ النَّاسِ!

که پاسخ: گزینه ۴

در گزینه ۱) تعدیا / گزینه ۲) هجوماً / گزینه ۳) قتلاً مفعول مطلق می باشد؛

اما در گزینه ۴) مفعول مطلق نداریم نفع اول مصدر و مبتداست و نفع دوم خبر

۲۷- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِتَكْمِيلِ الْعِبَارَةِ: (درس ۵ پایه دوازدهم، #استادسیدمجتبی سیدی)

حینما تقصد ام محمد ولدها تقول..... :

۱) محمد يقول جميع الناس العلم خير من المال و انا لا اعتقد به!

۲) محمد يقول أمام زملائه في الصف العلم خير من المال!

۳) محمد لا يقول الى أحد العلم خير من المال و لكني فهمت هذا من عمله!

۴) محمد يقول لأخته العلم خير من المال هل تصدقين كلامي!

که پاسخ: گزینه ۱

زمانی که مادر محمد او را مورد خطاب قرار می دهد می گوید..... :

از متن عبارت به دست می آید که سوال منادا می خواهد؛

با توجه به معنای گزینه یک محمد منادا يقول فعل و جمیع فاعل است.

ولی در سایر گزینه ها محمد مبتدا يقول فعل و خبر است که فاعل آن ضمیر «ی» است که مرجع آن مبتداست.

۲۸- عین ما حذَفَ فيه حرف النداء : (درس ۵ پایه دوازدهم، #استادحسین اسدی)

- ۱) قومي من مجلسك لأبيك و أمك و معلّمك!
- ۲) ربي أولادك على القيم الأخلاقية الإنسانية!
- ۳) أبي أنقذني من المهلكة هذا الرجل الغريب!
- ۴) إلهي لا ينس عبادَه و لا يتركهم خائفين!

کھ پاسخ: گزینه ۳

در گزینه ۱: قومي فعل امر للمخاطبة "برخیز" از جای نشستنت برای پدر، مادر و خانم معلّمت برخیز.

در گزینه ۲: ربي فعل امر للمخاطبة "تربیت کن" فرزندان را بر اساس ارزش های اخلاقی و انسانی تربیت کن.

در گزینه ۳: أب منادای مضاف است. پس در این عبارت حرف نداء "یا" در تقدیر می باشد.

توجه: فاعل در این عبارت اسم ظاهر "هذا" می باشد پس در فعل أنقذ ضمیر مستتری نیست که به أب برگردد پس أب نمی تواند مبتدا باشد. ای پدرم، این مرد غریب مرا از مهلکه نجات داد.

در گزینه ۴: إله مبتداست چون فاعل ینسی "هو مستتر" به آن بر می گردد.

معبود من بندگانش را فراموش نمی کند و آنها را بیمناک رها نمی سازد.

۲۹- عین «ل» یختلف عن الباقي: (درس ۸ پایه دهم، #استادمحمدزاهدی)

- ۱) للایام الماطرة ظاهرة جميلة تتكون من الألوان المختلفة تجعل السماء خلابة!
- ۲) لصديقي ذاكرة قوية يحفظ بها كثيراً من المعلومات!
- ۳) لتصلیح هذه السرائر نحتاج إلى عدة آلات!
- ۴) لكم دينكم و لي دين!

کھ پاسخ: گزینه ۳

با توجه به معنای حرف جر «ل»: حرف لام در گزینه های ۱ و ۲ و ۴ برای بیان مالکیت است.

اما در گزینه ۳ «ل» به معنای «برای» می باشد.

۳۰- عین ما ترى «تشاهد» فيها الحال. (درس ۲ و ۴ پایه دوازدهم، #استادحسین دهقان علمداری)

- ۱) وأصل ألفرد عمله دؤوباً حتى اخترع الديناميت.
- ۲) لاحظ المزارع أنّ عدد الأفراخ تنقّص تدريجياً.
- ۳) أنا أعرف سلمان الفارسي جيداً.
- ۴) عند وقوع المصائب تذهب العداوة سريعاً.

کھ پاسخ: گزینه ۳

حال در علم نحو به اسم «غالباً» نکره می گویند که در باره یک ویژگی گذرا «عارضی» بر اسم، به هنگام تحقق یک فعل یا یک رویداد دلالت دارد! مانند: خرج الطلاب من الصفّ ضاحكين. دانش آموزان، خندان از کلاس بیرون رفتند!

دو پیام دارد: الف: قبل از خروج خندان نبودند ب: هنگام تحقق فعل خروج از کلاس خندان شدند!

مهم ترین ویژگی حال این است که در مورد اسم توضیح می دهد که هنگام تحقق فعل، به چه ویژگی متصف بود! و ارتباطی به نحوه تحقق فعل ندارد!

در مقابل، گاهی اسم نکره در باره نحوه تحقق فعل توضیح می دهد! مانند: کمی خوابیدم و زیاد مطالعه کردم!

در این مثال، کم یا زیاد در باره فعل توضیح می دهد، نه اسم!

در سوال امروز: «دؤوباً» در گزینه نخست حالت «ألفرد» را در موقع تحقق فعل توضیح می دهد و حال است.

اما در سه گزینه ی دیگر: «تدریجياً» در مورد «تنقّص» و «جیداً» در مورد «أعرف» و «سريعاً» در مورد «تذهب» توضیح می دهند! لذا قید کیفیت بخشی «مفعول مطلق نوعی» هستند نه قید حالت «حال».